

Investigating the content characteristics of the school of individual romanticism in Layeq Shir Ali's poems

Alireza Ebrahimabadi^۱ Mahmoud Sadeghzadeh^۲ (corresponding author) Hadi Heidarinia^۳

Abstract

Romanticism literary school is one of the first influential European literary schools on contemporary Persian art and literature. The appropriateness of this literary school with the spirit of Iranian poets and writers, the desire for modernism and the political and social situation of Iran after the Mashrofeh constitutional revolution is one of the most effective and important factors in the expansion of the romantic attitude in contemporary Persian literature. Due to the expansion of political, social and economic relations between the East and the West, at the end of the ۱۹th century. It first influenced the Arabic language and literature, and then, after the Mashrofeh constitutional revolution, in the ۲۰th century, in a branch of Persian literature in Iran, Tajikistan and Afghanistan left many influences and produced poems with the characteristics of European romanticism. Layeq Shirali, one of the Persian-language poets of Tajikistan, was somehow influenced by this school during his poetic period, and brought Tajik Persian poetry closer to European romanticism during its period of popularity. In this Research, the author tries to analyze the types of romanticism in the poems of this Tajik poet in a descriptive-analytical way and based on romanticism components. The results of the research show that in Layeq Shirali's poems, the components of the school of individual romanticism can be seen, and Layeq paid much attention to humanity and altruism in creating the spirit of patriotism and national unity and idealism by composing patriotic poems, and he has used topics such as naturalism, introversion and loneliness, sadness and longing, nostalgia, hope and despair in his poetry.

Keywords: contemporary poetry, contemporary literature of Tajikistan, Layeq Shirali, literary schools, individual romanticism.

Sources and references

Book

- ۱) Berlin, I. (۲۰۰۹), The Roots of Romanticism, translated by Abdullah Kothari, Ch. ۲, Tehran: Mahi.
- ۲) Jafari Jezi, Masoud (۲۰۰۸), The course of romanticism in Iran from the constitutional period to Nima, Tehran, Nash-e-Karzan.
- ۳) Zarqani, Sayyed Mehdi, (۲۰۰۴), Chashmandar Contemporary Iranian Poetry, Tehran: salesh.

^۱ -PhD student in Persian language and literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Email: ebrahimabadi@iauyazd.ac.ir

^۲ -Professor, Department of Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Email: sadegh_zadeh@iauyazd.ac.ir

^۳ -Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran. Email: Heidari_hadi_pnuk@yahoo.com

- ٤) Sattarzadeh, Abdul Nabi (٢٠١٣), Introduction to Diwan Asayar Layeq, Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
- ٥) Sayyed Hosseini, Reza, (٢٠١١), Literary schools, ١٣th edition. Volume ١, Tehran: Negah Publications.
- ٦) Shir Ali, Layeq, (٢٠٠٥), the generalities of Layeq Shir Ali's poems, corrected by Masoud Ghasemi, Tehran: Farhang Farhang Tajiki.
- ٧) Forrest, Lilian, (٢٠٠٨), Romanticism, translated by Masoud Jafari, Ch. ٣, Tehran: Center.
- ٨) Mir Sadeghi, Maimant, (٢٠٠٦), Dictionary of Poetry, Ch. ٣, Tehran: Mahnaz.
- ٩) Harland, Richard (٢٠١٠), a historical introduction to the theory of literature from Plato to Barthes, translated by Ali Masoumi and Shapour Jurkesh, Ch ٣, Tehran: Cheshme.

Articles and theses

- ١- Asghari Qajari, Nadim et al. (٢٠١٨), "Research and analysis of the concept of love in the grammar of love by Qaisar Aminpour". Journal of Comparative Literature, vol. ٧, pp. ١٤-٢٨.
- ٢- Baik, Maryam et al. (٢٠١٨), "Romantic thoughts of Jaleh Qaimmaqami based on mythological topics", Comparative Literature Review, Vol. ٩, pp. ٦٥-٨٢.
- ٣- Payandeh, Hossein (٢٠١٨), "Historical and Social Roots of Romanticism", Organon, No. ٢, pp. ١٠١-١٠٨
- ٤- Jamshidi, Korosh (١٤٠٢), "Analysis of reflection of patriotic thoughts in the poems of Layeq Shir Ali", Journal of Interpretation and Analysis of Persian Language and Literature (Dehkhoda), Vol. ٥٥, pp. ٢٧٣-٢٩٥.
- ٥- Haydari, Fereshteh (٢٠٠٨), Imaginations in Layeq Shir Ali's poetry, master's thesis, supervisor Dr. Mohammad Ali Zahrazadeh, University of Sistan and Baluchistan.
- ٦- Khakpour, Mohammad (١٣٨٩). "Romanticism and its themes in contemporary Persian poetry". Kaush Nameh Scientific Research Quarterly, Vol. ٢١, pp. ٢٢٥-٢٤٧.
- ٧- Khodayar, Ebrahim (٢٠١٧) "Periodization of Tajik Contemporary Poetry: From Enlightenment to Independence", Literary Review and Theory, Q٣, Vol. ١, pp. ٢١-٤٥.
- ٨- _____ (٢٠١٨) "Transformation of the concept of homeland in contemporary Tajik literature", text of literary research, Q. ٢٣, No. ٨٢, pp. ٣٥-٦٠.
- ٩- Salehi, Fatemah (٢٠١٢), "Stylistical analysis of Layeq Shir Ali's sonnets", master's thesis, Dr. Nematullah Iranzadeh, Allameh Tabatabai University.
- ١٠- Modareszadeh, Abdolreza (٢٠١٢), "A Look at the Stylology of Tajik Poetry", Literary Criticism and Stylology Studies, Vol. ١, pp. ١٨١-٢٠١.

- ۱۱- Nafisi, Forough (۲۰۱۸), Nostalgia in the poetry of four contemporary poets of Tajikistan (Sadruddin Aini, Bazar Saber, Laigh Shir Ali, Gul Rokhsar Safi Ava), supervisor Dr. Hossein Esmaili, Azad University of Gachsaran.
- ۱۲- Yazdani, Hossein, Mohammadi Badr, Narges and Aliakbarzadeh, Marjan, (۲۰۱۸), "Evolution of the Theme of "Love for the Country" in Contemporary Tajik Poetry", Bahar Adab, vol. ۱, pp. ۳۴۹-۳۶۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فصل‌نامه علمی جستارنامه ادبیات تطبیقی

دوره هشتم، شماره بیست و هشتم، تابستان ۱۴۰۳

بررسی ویژگی‌های محتوایی مکتب رمانتیسم فردی در سروده‌های لایق شیرعلی

علیرضا ابراهیم‌آبادی^۱ محمود صادق زاده^۲ (نویسنده مسئول) هادی حیدری‌نیا^۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۳

(صص ۹۷-۱۲۶)

چکیده

مکتب ادبی رمانتیسم، یکی از اولین مکتب‌های ادبی تأثیرگذار اروپایی بر هنر و ادبیات معاصر فارسی است. متناسب‌بودن این مکتب ادبی با روح و روان شاعران و نویسندگان ایرانی، میل نوگرایی و نوحواهی و وضعیت سیاسی و اجتماعی ایران بعد از انقلاب مشروطیت از عوامل مؤثر و مهم در گسترش نگرش رمانتیک در ادبیات فارسی معاصر است. به خاطر گسترش روابط سیاسی، اجتماعی و اقتصادی شرق و غرب، در پایان قرن نوزدهم میلادی، ابتدا زبان و ادبیات عرب را تحت تأثیر خود قرار داد و سپس پس از انقلاب مشروطیت، در قرن بیستم در شاخه‌ای از ادبیات فارسی ایران، تاجیکستان و افغانستان، تأثیرات فراوانی از خود برجای گذاشت و اشعاری با ویژگی‌های سبک رمانتیسم اروپایی به وجود آورد. لایق شیرعلی از شاعران فارسی‌زبان تاجیکستان در طول دوره شاعری خود به نوعی تحت تأثیر این مکتب قرار گرفت و شعر فارسی تاجیکستان را به رمانتیسم اروپایی در دوره رواج آن نزدیک کرد. نگارنده در این پژوهش درصدد آن است

^۱ - دانشجوی دکترای گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران.
ebrahimabadi@iauyazd.ac.ir

^۲ - استاد گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران. sadegh zadeh@iauyazd.ac.ir

^۳ - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یزد، یزد، ایران.
Heidari_hadi_pnuak@yahoo.com

تا به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر اساس مؤلفه‌های رمانتیسمی، انواع رمانتیسم فردی را در اشعار این شاعر تاجیکی بررسی نماید. نتایج پژوهش بیانگر آن است که در سروده‌های لایق شیرعلی، مؤلفه‌های مکتب رمانتیسم فردی به چشم می‌خورد و لایق با سرایش اشعار میهنی، در ایجاد روحیه میهن‌دوستی و اتحاد ملی و آرمان‌خواهی، به انسانیت و نوع‌دوستی توجه بسیاری داشته و موضوعاتی مانند طبیعت‌گرایی، درون‌گرایی و تنهایی، اندوه و حسرت، نوستالژی و امید و ناامیدی را در شعر خود به‌کاربرده است.

کلیدواژه‌ها: شعر معاصر، ادبیات معاصر تاجیکستان، لایق شیرعلی، مکاتب ادبی، رمانتیسم فردی.

۱-مقدمه

ظهور مکتب رمانتیسم در اروپا همراه با تغییر و تحولاتی که در عرصه ادبیات به وجود آورد، زمینه ظهور یک انقلاب ادبی شد؛ انقلابی که اثرات فراوان و مؤثری از خود بر جای گذاشت و توانست اندیشه‌ها و افکار انسان‌ها را متحول و دگرگون سازد. همچنین رمانتیسم توانست، تغییرات اساسی و مهمی را پدید آورد و پایه و اصول نهادینه شده ادبیات را به‌طور کلی دگرگون سازد.

ادبیات فارسی معاصر، جلوه‌گاه تحولاتی ژرف و ابداعات گوناگون در حوزه‌های لفظ و معناست، این تحولات گاه در تأثیرپذیری از ادبیات جهان و گاه در توانمندی اندیشه‌ورزان ریشه دارد. مکتب رمانتیسم، نمونه‌ای از این تأثیرپذیری‌ها از ادبیات اروپا است. این مکتب، همانند جنبشی جهانی است که شامل زمینه‌های مختلف موسیقی، معماری، علوم اجتماعی و سیاسی، فلسفه، ادبیات، نقاشی و سینماست و در ایران، دایره وسعت آن، فقط منوط به ادبیات نیست. با ورود رمانتیک در ادبیات معاصر، تحولات گسترده‌ای در صور خیال، موسیقی و محتوای فکری و عاطفی شعر ایجاد شد. ما در ایران، دوره خاصی به نام رمانتیسم نداریم و این مکتب به همان صورتی که در ادبیات اروپا بود، در ایران رواج نیافت؛ ولی چون شالوده آن برگرفته از ادبیات اروپاست، تقریباً بر اساس همان مؤلفه‌ها

رواج یافت و با یک سری تغییرات، مطابق با فرهنگ، مذهب و اندیشه ایرانی در ادبیات معاصر، حضور پیدا کرد.

۱-۱- بیان مسئله

رمانتیسم یک جریان ادبی است که سرآغاز آن در ادبیات اروپایی بود. «مرحله‌ای از حساسیت اروپایی است که نخست در اواخر قرن هجدهم در انگلستان با «ویلیام بلیک» و «وردزورث» در آلمان با «گوته» و «شیلر» و سپس در فرانسه با «ویکتور هوگو»، «شاتو بریان» و «لامارتین» ظاهر شد. صفت رمانتیک از کلمه لاتینی رمانتیکوس (Romanticus) گرفته شده است. و اساساً ریشه این اصطلاح، صفت همان کلمه «رمان» است که اصل آن «رومانو» یا «رومی» است و در صورت ابتدایی‌اش به داستانی اطلاق می‌شود که نه به زبان لاتین، بلکه به زبان‌های عامیانه کشورهای مختلف اروپا به گونه‌ای جدید نوشته شده باشد و نیز از قوانین و مقررات کلاسیک تبعیت نکند.» (سید حسینی، ۱۳۸۶: ۱۰). در باره پیشینه رمانتیک باید گفت: «صفت رمانتیک در زبان انگلیسی برای نخستین بار در سال ۱۶۵۰ میلادی و شکل فرانسوی *romaneque* در سال ۱۶۶۱ میلادی و شکل آلمانی *Romaniseh* در سال ۱۶۶۳ میلادی به کار رفته است.» (جعفری جزی، ۱۳۷۸: ۱۰).

«مکتب رمانتیسم پیامد تحولات اساسی در زندگی غربیان و انقلابی است که در اصول اندیشه، عوامل اجتماعی، مبانی اقتصادی و فرهنگی این ممالک در طی سده‌های هجده و نوزده میلادی رخ داد. با تحولاتی از قبیل صنعتی شدن جامعه، تغییر شیوه زندگی به شهرنشینی، پیدایش طبقه جدید متوسط (بورژوازی)، اصول کلاسیک مورد تردید واقع شد و زمینه‌های پیدایش این مکتب، ابتدا در آلمان و انگلیس و سپس در فرانسه به وجود آمد. «رمانتیک‌های فرانسه به دلیل دوران انقلاب و حکومت ناپلئون» دیرتر از رمانتیک‌های آلمان و انگلستان ظاهر شدند.» (هارلند، ۱۳۸۸: ۱۰۹). اما این مکتب در فرانسه رشد و رونق چشمگیری داشت و از آنجا به دیگر کشورها، تسری یافت. انقلاب فرانسه که بر شکننده بودن نظم سیاسی جامعه و امکان‌پذیر بودن نظامی جدید مبتنی بر آزادی و عدالت» (پاینده، ۱۳۹۰: ۱۰۳) تأکید داشت، با تردید در بنیان‌های عقل-

گرایی، پایه‌های رمانتیسم را محکم‌تر ساخت و بدین ترتیب از مرزهای آن کشور فراتر رفت و در «هرکشوری که نوعی نارضایی اجتماعی وجود داشت، رخنه کرد، خاصه کشورهای که زیر چکمه‌اش برگزیدگان خشن و سرکوبگر یا مردانی بی‌کفایت بودند.» (برلین، ۱۳۸۷: ۲۱۱).

رمانتیسم موجود در شعر فارسی بعد از مشروطیت ایران در سه شاخه متعادل و متعارف، اجتماعی و افراطی و احساسات‌گرا سیر کرد و شعر معاصر تاجیکستان، مخصوصاً شعر لایق شیرعلی هم به تبع آن، از این سه قاعده مستثنا نشد.

لایق شیرعلی از شاعران برجسته تاریخ معاصر تاجیکستان است و در تاجیکستان، نقش ملک‌الشعرا بهار در ایران را دارد. سخنگوی فرهنگی جنبش ملی‌گرایانه این سرزمین است و توانست پیوندی قوی بین ادبیات ایران و تاجیکستان برقرار کند.

ادبیات تاجیکستان، تحت تأثیر رخدادها و تحولات گسترده علمی و اجتماعی از ادبیات اروپا تأثیر گرفت و از مهم‌ترین پیامدهای آن، نفوذ و رواج مکتب رمانتیسم در شعر و به‌طورکلی ادبیات و هنر شد. لایق شیرعلی به سبب آنکه بخش مهمی از زندگی خود را در دوره‌ای به سر برد که ادبیات تاجیکستان، متأثر از ادبیات اروپا بود، شعرش بسان آینه تمام‌نمایی است که حاوی مضامین مهم رمانتیک‌های بزرگ جهان است و این امر، فضای رمانتیک خاصی به شعر این شاعر بخشید.

شعر معاصر تاجیکستان از نمونه‌های اصلی زبان فارسی است که دارای ویژگی‌های خاصی است و در قیاس با دیگر نمونه‌های شعر فارسی در افغانستان و ایران، ارزش مطالعه و پژوهش دارد. «شعر و ادبیات سرزمین کهنسال تاجیکستان که بخشی از فرهنگ و تاریخ سرزمین بزرگ ایران را در برمی‌گیرد، اکنون در روزگار ما در مسیر بازجویی روزگار وصل است و عمده کوشش‌ها بر آن است که این زبان بتواند در مسیر تمدن کهن این سرزمین و پیوند پذیرفته با زبان و فرهنگ و باورهای مشاهیر جهانی این زبان باشد. بی‌تردید شعر و زبان شاعران امروز تاجیکستان با شاعران ایران‌زمین، تفاوت‌هایی دارد که اتفاقاً از نظر هنری و فنون شعر، این تفاوت‌ها، عمدتاً سبک‌ساز و تعیین‌کننده مراتب و درجات هنری از

طرفی و نیز روشن‌کننده تأثیر آداب و رسوم محلی و شرایط بومی و جغرافیایی بر شعر است.

این تفاوت نه در زبان فارسی و تاجیکی که با زبان دری در افغانستان هم به طور طبیعی خود را نشان می‌دهد. (مدرس‌زاده، ۱۳۹۱: ۱۸۲). در این پژوهش، نویسنده در تلاش است تا به شیوه توصیفی-تحلیلی و با ابزار کتاب‌خانه‌ای، ویژگی‌های محتوایی مکتب رمانتیسیم فردی در سروده‌های لایق شیرعلی را شرح و تبیین کند و به این پرسش‌ها پاسخ دهد که کدامیک از مؤلفه‌های مکتب رمانتیک در سروده‌های این شاعر، نمود بیشتری دارد؟ و در شعر لایق، عناصر و مؤلفه‌های مکتب رمانتیسیم فردی، چگونه انعکاس یافته است؟

۱-۲- اهمیت و ضرورت پژوهش

گرایش به مضامین مکتب رمانتیک یکی از ویژگی‌های برجسته در اشعار لایق شیرعلی است و در مورد آن پژوهشی انجام نشده است.

۱-۳- روش پژوهش

این پژوهش، به شیوه نظری و بر مبنای روش کتاب‌خانه‌ای صورت گرفته و همانند اغلب تحقیقات رشته‌های علوم انسانی، علاوه بر استدلال، توصیف، تجزیه و تحلیل عقلانی و منطقی داده‌ها، به تدوین و ارائه نظام‌مند یافته‌های پژوهش پرداخته است. داده‌های علمی و تحقیقی این پژوهش از طریق یادداشت‌برداری به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر پایه منابع کتاب‌خانه‌ای گردآوری شده است، سپس داده‌های به دست آمده، دسته‌بندی، توصیف و نهایتاً تحلیل شده است.

۱-۴- پیشینه پژوهش

پژوهش‌های متعددی درباره شعر لایق شیرعلی، صورت گرفته است:

- ابراهیم خدایار، (۱۳۹۷)، در مقاله «دوره‌بندی شعر معاصر تاجیک: از روشنگری تا استقلال (۱۸۷۰-۲۰۱۵م)»، به این نکته اشاره کرده است که بررسی دوره‌بندی تحولات شعری تاجیکان از شروع نهضت بیداری تا استقلال منطقه در بستر نظریه تاریخ ادبیات

است و نویسنده، الگویی برای نقد مبانی فکری پیشنهاد داده و این الگو تأثیر مستقیمی در نگارش جریان‌شناسی شعر معاصر تاجیک داشته است.

- ابراهیم خدایار (۱۳۹۸) مقاله‌ای به نام «تحوّل مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک: از معار- فپروری تا استقلال و خودآگاهی ملی» در مجله متن پژوهی ادبی منتشر کرده است. نویسنده در این پژوهش، ضمن یادآوری نقش ورارودان باستان، در شکل‌دهی به زبان و ادب فارسی و هویت‌بخشی به آریایی‌تباران و فارسی‌زبانان و ذکر خلاصه‌ای از تاریخ این ناحیه، بر اساس نگاه تاریخی، مفهوم وطن را ذیل چهار دوره کلی از سال ۱۸۰۷ تا ۱۹۹۱ میلادی بررسی کرده است.

- حسین یزدانی، نرگس محمدی بدر و مرجان علی اکبرزاده، (۱۳۹۸)، در مقاله‌ای با عنوان «تحوّل مضمون «عشق به وطن» در شعر معاصر تاجیکستان»، به خاستگاه تاجیکان و پیشینه ادبی این سرزمین پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که مفهوم وطن در هر دوره از ادبیات معاصر این سرزمین، در حوزه معنایی خاصی قابل بررسی است. در دوره تسلط شوروی سابق، تحت تأثیر مکتب رئالیسم سوسیالیستی، مقصود از وطن، سرزمین بزرگ شوراها-اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی- است، به‌ویژه در دوره جنگ جهانی دوم (۱۹۴۵م-۱۹۴۱م)، اما مضمون فوق، پس از فروپاشی شوروی (از ۱۹۹۱م) و از بین رفتن سانسورهای حکومتی، اندک‌اندک دارای مفاهیم گسترده‌تری شده است.

- کوروش جمشیدی (۱۴۰۲)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل بازتاب اندیشه‌های میهن‌دوستانه در اشعار لایق شیرعلی»، به بررسی تحلیل بازتاب اندیشه‌های میهن‌دوستانه در اشعار لایق شیرعلی، شاعر وطن‌پرست، پرداخته است و به این نتیجه رسیده است که اندیشه‌های وطنی لایق، ریشه‌های عمیق انسان‌دوستانه دارند.

- فاطمه صالحی (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی سبک‌شناختی غزل‌های لایق شیرعلی»، به این نتیجه رسیده است که اشعار لایق از نظر زبانی، ساده و روان است و موسیقی شعر از صورخیال پیچیده‌ای برخوردار نیست. غزل‌ها بازتاب مسائل

مربوط به جامعه و همچنین احساسات درونی خود شاعر است و بیشتر شکایت از اوضاع و احوال مردمان و روزگار است.

-فرشته حیدری (۱۳۸۸)، در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «صور خیال در شعر لایق شیرعلی»، پس از معرفی شاعر و آثار و افکار او، به بررسی صورخیال، تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز، در اشعار لایق پرداخته و مواد تشبیه در اشعار لایق برگرفته از زندگی اجتماعی، فرهنگی و طبیعی شاعر بوده است که با فکر و ذهن خلاق خود، آن‌ها را به صورت زیبا، بیان کرده است. آنچه موجب تفاوت پژوهش حاضر با پژوهش‌های یاد شده می‌شود؛ این است که تاکنون هیچ پژوهشی مستقل در رابطه با بررسی ویژگی‌های محتوایی رمانتیسم فردی در شعر لایق شیرعلی، صورت نگرفته است.

۱-۵- مبانی نظری پژوهش

۱-۵-۱- رمانتیسم

جمال میرصادقی در تعریف رمانتیسم می‌گوید: «رمانتیک و رمانتیسم برگرفته از کلمه رمانس است، واژه‌ای که ابتدا به داستان‌های بسیار خیال‌انگیز و عجیبی اطلاق می‌شد که به زبان‌های محلی نوشته می‌شدند و به تدریج رمانتیک، معنای ظریف، رؤیایی و احساساتی پیدا کرد.» (میرصادقی، ۱۳۸۵: ۱۳۴). بعدها «ویژگی‌های شاخص این قصه‌های مبتنی بر عشق، ماجراجویی و هوس‌بازی‌های خیال، با این کلمه پیوند یافت و کلمه رمان، تداعی‌گر همه این خصوصیات شد.» (فورست، ۱۳۸۰: ۲۵). رمانتیسم در معنای عام، به آن دوره‌هایی اطلاق می‌شود که کیفیت‌های عاطفی و تخیلی در هنر و زندگی مورد تأکید قرار می‌گیرند. در همین معنا، همچون یک روش هنری متضاد با کلاسیسم و رئالیسم دانسته می‌شود. این مکتب ابتدا در انگلستان و سپس در آلمان شکل گرفت و از آنجا به فرانسه و اسپانیا و سایر کشورها انتقال یافت؛ اما دوران نضج و کمال آن در فرانسه بود.

۱-۵-۲- مشخصات رمانتیسم

مکتب رمانتیسم، یک جریان ادبی و هنری در اروپا و آمریکا در قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم میلادی است. این جریان نه تنها در ادبیات، بلکه در نقاشی، موسیقی، فلسفه و فرهنگ عامه نیز تأثیرگذار بود. یکی از مشخصات مکتب رمانتیسم، احساسات شخصی است. رمانتیسم بر تأکید بر احساسات شخصی و تجربه‌های فردی تأکید دارد. شاعران و

نویسندگان رمانتیک به دنبال بیان احساسات عمیق، شگفتی‌آوری‌ها، و تأملات شخصی بودند. همچنین رمانتیسیم به تجسم و تحسین طبیعت و محیط زیست می‌پردازد. این جریان از زیبایی‌ها و معجزات طبیعت الهام می‌گیرد و آن را به‌عنوان منبع الهام برای آثار هنری معرفی می‌کند. رمانتیسیم‌ها به ارزش قابلیت‌ها و پتانسیل‌های خود فردی، اهمیت می‌دادند و از خلاقیت، خودآگاهی، و برجسته‌سازی فردی حمایت می‌کنند. «او. شلگل، رهبر رمانتیسیم آلمان، در اظهار مهم‌ترین مختصات رمانتیسیم بیان می‌کند که ادبیات رمانتیک عبارت از جمع اضداد و آمیزش انواع مختلف ادبی است و ذوق رمانتیک، پایبند نزدیکی مداوم امور بسیار متضاد است. به نظر او در سبک رمانتیک، طبیعت و هنر، شعر و نثر، جد و هزل، خاطره و پیش‌گویی، عقاید مبهم و احساسات زنده، آنچه زمینی است و بالاخره زندگی و مرگ در هم می‌آمیزد.» (سیدحسینی، ۱۳۸۹: ۱۷۸).

۱- ۵- ۳- زندگی‌نامه لایق شیرعلی

عبدالنبی ستار زاده در مقدمه دیوان اشعار لایق در شرح‌حال شاعر می‌گوید: «لایق شیرعلی، شاعر بزرگ معاصر تاجیک، بیست می سال ۱۹۴۱ میلادی در ده مزارشریف واقع در شهرستان پنجکنت تاجیکستان زاده شده است. او سال ۱۹۵۴ میلادی پس از ختم مکتب هفت‌ساله ده مزارشریف به آموزشگاه آموزگاری شهر پنجکنت داخل شده، سال ۱۹۵۸ میلادی آن را ختم کرد. تحصیل در دانشسرا، راه آینده او را تعیین کرد. او با مصلحت و پشتیبانی برادر فاضلش، قاری شریف، سال ۱۹۵۹ میلادی به شهر دوشنبه آمد و به دانشکده زبان و ادب و تاریخ دانشگاه آموزگاری، داخل شد و سال ۱۹۶۳ میلادی آن را به پایان رساند.» (ستارزاده، ۱۳۸۳: ۱۹)

پس از این، «نخست به‌حیث محرر شعبه ادبی رادیو تاجیکستان و سپس کارمند ادبی روزنامه کمسمول تاجیکستان، (لیگ جوانان کمونیست متحد پیرو لنینیسم)، مدیر بخش و نظم مجله «صدای شرق» نشریه اتحادیه نویسندگان تاجیکستان، فعالیت کرد. بعد از سال ۱۹۶۵ میلادی، عضو اتحادیه نویسندگان اتحاد شوروی شد. استاد لایق به همه جمهوری‌های سابق شوروی و همچنین به ایالات متحده آمریکا، انگلستان، آلمان، ایتالیا، یوگسلاوی،

فرانسه، بلغارستان، چکسلواکی، ایران، سوریه، لبنان، هندوستان، غنا، افغانستان، چین، پاکستان و غیره، سفرهای خدمتی داشتند. او همچنین عضو کمیته مرکزی جمهوری تاجیکستان و نیز نماینده شورای عالی اتحاد شوروی بود. وی در سی ژوئن سال ۲۰۰۰، ساعت دوازده، بر اثر سکته مغزی، چشم از جهان فرو بست. (همان: ۱۹)

۲- بحث و بررسی

۲-۱- اصول و مبانی رمانتیسیم

نویسندگان رمانتیک بر این باورند که انفعالات فردی و احساسات شخصی، نه تنها مهم‌ترین منبع ایجاد هنر، بلکه ارزشمندترین جنبه انسانی هستند. «پدیده رمانتیک که معمایی حل ناشدنی و هزارتویی بن‌بست است، گویا هیچ تحلیل علمی را برنتابد، بیشتر به دلیل سرشت بسیار متضاد آن نشئت گرفته است و از این‌رو، رمانتیسیم، محل تلاقی تضادهاست.» (خاکپور، ۱۳۸۹: ۲) و جلوه‌های مختلف عقاید و افکار را در آن می‌توان مشاهده کرد. «شاعران و نویسندگان رمانتیک برای خلق معنا و فرم اثر ادبی خود به بهره‌گیری از اسطوره و بازتاب آن همراه با تغییر و دگرگونی و حتی خلق اسطوره جدید بسیار تمایل دارند. البته این خود از آن روست که رمانتیسیم در اساس با دگرگونی و تغییر و تحوّل و به تعبیر درست‌تر، سنت‌شکنی همراه است.» (بیک و همکاران، ۱۳۹۸: ۳). با توجه به این نکته که پایه و اساس مکتب رمانتیسیم، خیال‌پردازی و احساس است، می‌توان گفت این تخیل و احساس، گاه مرتبط به مضامین شخصی و گاه به مضامین گروهی و اجتماعی است. به همین دلیل، بسته به اینکه تخیل و احساس شاعر، گرایش به کدام‌یک از این دو نوع بینش و تفکر داشته باشد؛ رمانتیسیم را به فردی و اجتماعی تقسیم کرده‌اند. «رمانتیسیم فردی غیر سیاسی، عاشقانه، عمدتاً از نوع عشق جسمانی و در مواردی اروتیک، برکنار از دغدغه‌های اجتماعی و اندیشه‌های انقلابی است، برعکس، رمانتیسیم اجتماعی به فعالیت‌های اجتماعی، مبارزه، سیاست عشق به آزادی، انقلاب و اهداف انقلابی اصالت می‌دهد.» (زرقانی، ۱۳۸۴: ۳۴۲)

۲-۲- مبانی رمانتیسیم فردی

۲-۱- درون‌گرایی و تنهایی

در باره تنهایی و انزواطلبی انسان در زندگی، «تضاد میان آرمان و واقعیت و ارتباط ناخوشایند فرد با محیط اجتماعی‌ای که در آن به سر می‌برد، رمانتیک‌ها را دچار پریشانی و رنج می‌کند و آن‌ها را هر چه بیشتر به سوی انزوا می‌کشاند.» (جعفری جزی، ۱۳۸۶: ۲۰۲). یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های هنرمند رمانتیک، گریز و بیگانگی از اجتماعی است که آن را نسبت به خود بیگانه می‌داند به نحوی که تنهایی و غربت نشینی یکی از مضامین پرکاربرد در شعر لایق شده است.

تاک از بی‌کسی بر شاخ چنار گویی ترسیده و در پیچیده
چشمه ده ز غم تنهایی روز و شب گریه‌کنان، خشکیده
(شیرعلی، ۱۳۸۳: ۵۵)

شاعر تنهایی و بی‌کسی خود را در درخت تاک دیده و به تصویر کشیده است و می‌گوید: درخت انگور به خاطر بی‌یار و یاور بودن است که این‌گونه بر شاخ و برگ دیگر درختان می‌پیچد. همچنین، غم تنهایی، علت خشک شدن چشمه آب است. مضمون اصلی لایق در این ابیات، غم است و به نظر شاعر، بهترین واژه برای بیان غم و اندوه، همان ترکیب سر به سنگ کوفتن و ناله کردن است. در غزل رمانتیک، حال و هوای شاعر، بیش-تر یأس آلود و غم‌انگیز است که در ابیات فوق به صورت غم‌انگیزی نشان داده شده است. همچنین در بیت زیر:

سر کوه بلند غوغا کنم من تو را از بوی گل، پیدا کنم من
تو که از بوی گل پیدا نمی‌شی جوانی را به غم، سودا کنم من
سر کوه بلند نی‌می‌زنم من شتر گم کرده‌ام، پی‌می‌زنم من
شتر گم کرده‌ام با بار کاشی گلی گم کرده‌ام، بلکه تو باشی
(همان: ۵۴)

شاعر در حسرت و اندوه فراق یار خویش است. او برای این‌که توانسته باشد این حالت عاطفی خود را بیان کند، به سراغ مضامینی از طبیعت و محیط زندگی خود رفته است و در قالب طبیعت از ناکامی خود ناله سر داده است.

دریغ و درد که یاران ز ما به دور شدند چنین ز کوری خویش و ز بخت شور شدند
چو اتحاد نبوده میانشان چون مشت به سخره، دستخوش چند مشت زور شدند
(شیرعلی، ۱۳۸۳: ۴۳۷)

لایق در شعر «دریغ و درد»، دردمندی و دریغ خود را به خاطر دوری از دوستان و نزدیکان خود بیان کرده است؛ دوستانی که به علت نادانی و ناسازگاری بخت، به چنین سرنوشتی گرفتار شدند. «لایق سبب جدایی و دوری یاران را این می‌داند که با هم متحد نبوده‌اند؛ در نتیجه، اسیر دست عده‌ای زورمند شده‌اند. لایق حسرت می‌خورد که افراد نگون‌بختی که ستاره بختشان سوخته بود، به دستور عده‌ای تیرانداز، درمانده شدند. آنان که چشم‌انتظار لطف یاران و سرزمینشان بودند، به یاد خاک وطن، به حدی گریه خونین کردند تا چشمشان نابینا شد. لایق، در ادامه، حسرت یارانی را می‌خورد که از امواج خروشان آمو، بدون داشتن اندک کمک دهنده‌ای گذر کردند و سرانجام، جایشان در ته قبرستان شد. این دورشدگان از وطن، در سرزمین‌های بیگانه، خیری از کسی ندیدند و در سرزمین بیگانه، غریبانه مردند.» (نفیسی، ۱۳۹۹: ۹۵)

۲-۲-۲- عشق

عشق، بی‌واسطه‌ترین رابطه فرد با فرد و زیباترین نمود هماهنگی و اتحاد است؛ به همین سبب، هرچه در سرشت انسانی نهاده شده، می‌تواند، موضوع شعر عاشقانه قرار گیرد. «عشق یکی از مفاهیم دیرپا در فرهنگ بشری است و تعلق به محدوده فرهنگی یا جغرافیایی مشخصی ندارد. نوع بشر از روز نخست خلقت، از این ویژگی، بهره‌مند بوده و انواع گوناگون آن را آزموده است. عشق در غالب فرهنگ‌های بشری، دو بعد زمینی و معنوی دارد. برخی بر یکی از ابعاد آن تأکید کرده‌اند و برخی هر دو را برای رشد و ترقی شخصیت انسان و رسیدن به کمال مطلوب، مؤثر دانسته‌اند.» (اصغری قاجاری، ۱۳۹۸: ۱۵).
با بررسی اشعار و سروده‌های لایق شیرعلی مشخص می‌شود که مضامین عاشقانه یکی از موضوعات پربسامد در اشعار اوست. لایق در سروده‌های عاشقانه‌اش، از وصل و هجران، درد و حسرت، خاطرات گذشته و از سوز و گدازهای تلخ و شیرین عاشقانه سخن گفته است. عاشقانه‌های لایق بسیار فراوان و گوناگون و مناسب با هر سلیقه‌ای

است و هرکس می‌تواند شعر متناسب با اوضاع و احوال و اندیشه‌های فکری خود را پیدا کند. در اکثر اشعار لایق، موضوع عشق را می‌توان یافت. در بیشتر غزل‌های او، جدایی حکم نهایی است و خبری از وصال وجود ندارد. اندوهی سنگین بر اشعار عاشقانه او حاکم است که شاعر در وصف این اندوه، زیبایی‌هایی آفریده است. در اشعار لایق، واژه عشق ۲۱ بار و عاشق و عاشقان هم هرکدام دو بار به کار رفته‌اند، او در همه‌جا از معشوق خود با عنوان یار، یاد کرده است؛ واژه یار، چهارده بار در اشعارش آمده است؛ البته گاهی از همدم، مونس، جان و مهوش هم استفاده کرده است. همچنین می‌توان ابیاتی را مشاهده کرد که مضمون آن‌ها عاشقانه است؛ ولی هیچ‌یک از این واژه‌ها در آن به کار نرفته است:

شب مهتاب و دریا مست و من هم مست نمی‌دانم چه می‌خواهم، نمی‌دانم چه غم
سرشارم دارم

(شیرعلی، ۱۳۸۳: ۴۶۵)

همچنین در بیت:

هر لحظه که از بر من دور می‌شوی ای آفتاب عمر من، کم نور می‌شوی
(همان: ۵۰۶)

از غزل‌های لایق این‌گونه برمی‌آید که معشوق در اشعارش، زمینی است، کاربرد واژه‌ها و اصطلاحاتی همچون زیبایی، ناز، توصیف زلف، لبان، آغوش، گیسو، چشمان، فتنه‌گری، بی‌وفایی و بی‌مهری، بیانگر زمینی بودن معشوق شاعر است. به عنوان نمونه در سروده زیر، واژه‌ها و مضامینی که شاعر در وصف معشوق به‌کار برده، حاکی از عشق زمینی است:

عشق من هر جا روی با خویش پندارم تو با همه این دست کوتاهی به دست آرم تو
را را

کاکلان می‌ده بافت را شمردم با نگاه بعد از آن، روز سیاه خویش بشمارم تو را
(همان: ۳۹۷)

شعر لایق دارای تنوع مضمون‌های عاشقانه گوناگونی است که هر خواننده‌ای مناسب حال و احوال خویش، موافق احساس و اندیشه‌های خود، موضوعی در آن‌ها می‌یابد. لایق

در بسیاری از اشعار خود به سختی‌ها و مصائب راه عشق، اشاره کرده است که با توجه به روحیات و حالات شخصی وی و در عین حال، دل‌نشین سروده شده است: «عالم عشق و محبت، عالم سوز و گداز/ عالم چون خواب آرامی و مدهوش مثل جنگ/ آه در یک آن، به پیش دیدگانم شد پدید/ خود به خود من دود کردم/ باختم از روی رنگ» (همان: ۲۹۱)

لایق، شاعری غزل‌سرا و به گفته خودش، شاعر عاشق است. شعرهای عاشقانه او از بین همه اشعارش، زیباترین قسمت میراث ادبی او است.

۲-۲-۳- اندوه و حسرت، یأس و ناامیدی

لایق شیرعلی شاعری است که سروده‌هایش از عمق وجود برخاسته و بر سر زبان جاری شده است. بیشتر حالات روحی و روانی لایق را می‌توان با خواندن تعدادی از اشعارش به دست آورد و به این نکته پی برد که لایق، شاعر عاشق است و بیشتر مضامین شعری دیوان وی را عشق تشکیل می‌دهد و حتی می‌توان به شکست‌های عشق او پی برد. یکی از سرخوردگی‌های لایق، ناامیدی است که گستره قابل توجهی از اشعارش را به خود اختصاص داده است. ناامیدی لایق را می‌توان از چند لحاظ بررسی کرد. یکی از موارد ناامیدی او، نرسیدن به وصال یار است.

همچنان تو ز روزگار من رفتی بی یادگار و بی استاد
 ننشستی به بزم سینه من نزدی با دلم دمی فریاد
 نزدی مشت بر در رازم نشدی میهمان خانه دل
 گرچه عصر فسانه بگذشته هرکرا هست یک فسانه دل
 است (شیرعلی، ۱۳۸۳: ۳۰۹)

در این ابیات، شاعر از این‌که بتواند دوباره به روزهای خوش وصال بازگردد، اظهار ناامیدی می‌کند و از این‌که دوست و محبوب خود را یافته و شرح ملال و محن خود را به او بازگو کند، عاجز است.

«تو رفتی و ز بعد تو/ بهار گل‌فشان گذشت/ تو رفتی و به یاد تو/ جوانی، بی‌نشان گذشت/ تو رفتی و امیدها/ چو ابر آسمان گذشت/ به چشم خویش دیده‌ام/ که عشق خوار می‌شود.» (همان: ۳۲۴)؛ تلاش انسان در زندگی بر این است که با امید و آرزو، قدم بردارد

و اگر رشته امید و آرزوی انسان، گسسته شود، نیروی لازم برای کسب آن‌ها هم از بین می‌رود و امید رسیدن به آنان غیرممکن می‌شود. زمانی که لایق شیرعلی در دیدگاه خود، سلامت و آزادی را دست‌نیافتنی می‌بیند در آن هنگام دیگر رشته امید خود را از دست می‌دهد:

تا بدیدم جوانی‌ام نفسی شعر من آه نارسایم بود
چند فصل بهار آمد و رفت جز گل روی تو بسا گل داشت
چشمم از صورت تو خالی بود دلم از عشق تو تغافل داشت
(همان: ۳۲۶)

همچنین، دل‌خوشی نیز همان‌گونه است. انسان تا زمانی که از سلامتی و دل‌خوشی برخوردار است، نسبت به آن بی‌توجه است و به دنبال دیگر آرزوها است؛ غافل از آن‌که گذر زمان، همه این آمال‌ها و آرزوها را بر باد می‌دهد، بنابراین موقعی که به آرزوی خود می‌رسد، دیگر نعمت‌ها و خوشی‌ها را از دست می‌دهد.

دل من چون گل دوران خویش است به دوران دگر هرگز نروید
خزان دارد بهار زندگانی خزان را هیچ‌کس چون گل نبوید
چه تدبیری خدا هر چیز داده است به‌نوبت باز چون قرضش بگیرد
دل من رهن شعر و شاعری بود بمیرد هم، به بدنایم نمیرد
(همان: ۳۳۳)

گاهی شدت این ناامیدی به‌اندازه‌ای است که دوستی بین خود و محبوب را همانند دوستی شیشه و سنگ می‌داند:

ای تسلائی جان بزمانم بی تو بر من حیات بی‌رنگ است
با جهان آشنایی‌ام دانی آشنایی شیشه و سنگ است
(همان: ۳۴۰)

در این بیت، نهایت ناامیدی از زندگی شاعر استنباط می‌شود. شاعر دل خود را که مرکز احساسات است به رودخانه‌ای خشک همانند کرده است.

ندانستی که اندر سینه من دل خشکیده‌ای چون خشک‌رود است
که آبش از سر دنیا گذشته که فارغ از غم بود و نبود است
(شیرعلی، ۱۳۸۳: ۳۴۱)

بر اساس دیدگاه منفی‌گرایانه، ذهن و زبان لایق را به‌جایی می‌کشاند که از تعبیری همچون دل سرد، دل پردرد و غیره به کار می‌برد. گرایش منفی داشتن به زندگانی می‌تواند یکی دیگر از دلایل ناامیدی انسان از جمله لایق شیرعلی باشد. وقتی شاعر، ابتدای زندگی خود را در رنج و اندوه می‌بیند، معلوم است که چنین نگرشی داشته باشد. ادامه یافتن چنین نگرشی با گذر زمان، باعث گسستن آمل و آرزوهای شاعر شده و مرگ را تنها راه فرار از زندگی می‌بیند. لایق از گذشت عمر خویش در حسرت و اندوه است و افسوس می‌خورد. او برای این‌که توانسته باشد این حالت عاطفی خود را بیان کند، به سراغ مضامینی از طبیعت و محیط زندگی خود از جمله گل، عطر، شاخ و نهال رفته است و در قالب طبیعت از ناکامی خود در زندگی نالیده است.

لایق علاوه بر وصف معشوق، گاه‌گاهی به توصیف عاشق پرداخته و بیش از همه بر بی‌پروایی و پایداری در عشق، تأکید کرده است. همچنین آرزومندی، اشتیاق عاشق و رسیدن به وصال یار، از دیگر مضامین پرکاربرد در این بیت است:

عشق من هر جا روی باخویش پندارم تو را با همه این دست‌کوتاهی به دست آرم تو را
(همان: ۳۹۷)

رسیدن به معشوق از دیگر مضامین اشعار غنائی لایق است:

کاش یک روز پر از نورو یا یک‌شب کور لب نهم بر لب تو، پس بروم بر لب گور
(همان: ۴۴۹)

از فحوای بیت، این‌گونه برمی‌آید که لایق در هجر یار به سر می‌برد و شوق رسیدن و دیدن یار را در سر دارد. حوادث سال‌های ۱۹۹۰ میلادی در تاجیکستان در آثار لایق شیرعلی، تأثیر بسیار عمیق و مؤثر گذاشت. آثار این دوره از زندگی شاعر، سراسر سرشار از حسرت و درد است. از خواری و افتادگی، زبونی و بیچارگی ملت تاجیک، از خویشتن‌ناشناسی، از پاره پاره شدن آن به محل‌ها، از ویرانی و نابودی کشور، از آنکه این سرزمین،

زمانی آباد و آرام و امروز به مرگستان، به کشتارگاه، به مرده‌خانه، به آشیانه کمان و کمانگران مبدل شده است. گوینده‌ای که زمانی از گذشته پرافتخار ملت خویش و کشور باستانی‌اش می‌بالید و شعرها می‌گفت، امروز با نفرت و درد از جنگ ملت‌کش تاجیکان، قصه‌های جان‌گدازی می‌گوید.

لایق شیرعلی، در ابیات زیر، حسرت دوران جوانی خود را خورده است و ایام جوانی را به قطرات بارانی تشبیه کرده که بر روی شاخه درختی افتاده‌اند و با یک تکان مختصر بر روی زمین می‌افتد و از بین می‌رود. پرواضح است که لایق آرایه تشبیه زیبایی را به کار برده که باعث گردیده، لطافت باران و حالت ریختن آن از روی شاخه درخت در نظر خواننده مجسم شود:

«بچگی چون شاخ باران ریخت، ریخت / بچگی چون آبشاران ریخت، ریخت / با مثال شاخ نم از دشت با پهنا گذشت / بچگی گویا بُد و گویا نبود / بچگی از ما بُد و از ما نبود / بی‌خبر ماندیم تا دیدیم، فرسخ‌ها گذشت / بچگی گلگون زرین‌بال من یال و بالش غرق گل از راه عمر ما گذشت.» (شیرعلی، ۱۳۸۳: ۲۴) و «این شب‌ترش روی بارانی کلبه مادرم به یاد آمد / بام او می‌چکد ز باران‌ها / در دلم عالمی به داد آمد مادرم! مادر بهشتی‌ام / آسمان باز از چه گریان است؟ / اشک تو بس نبود که در دنیا باز باران و باز باران است؟» (همان: ۲۴)

لایق، در سروده «نان و نصیب»، حسرت روزگار گذشته خود را می‌خورد؛ گذشته‌ای که در میان اعضای خانواده خود بود و مادر، مدام، شب و روز، در خدمت اهل خانه بود. محبت‌ها و علاقه‌مندی‌های مادر، باعث شده بود که کم و کسری‌های زندگی را احساس نکند. لایق در این شعر که از نظر وزن و قافیه، در مقایسه با شعر کلاسیک، نقص‌هایی دارد، به مراسم و اعتقادات مادر خود که نمونه‌ای از مادران تاجیکی است، اشاره می‌کند و با شمردن آن‌ها، سعی می‌کند محبت و عشق خود را به مادرش نشان بدهد.

«کجا رفتند، ای مادر؟ / کجا رفتند کفترهای نو بال و پرت مادر؟ / بساط طوی می‌اندوختی / بهر عروسانت / صدف می‌جستی. گرد خزینه، شده مرجان / چه شد؟ / بی‌مادری

زمره منحوس باعث شد که رفت از دست تو ناگه عصای پیریات، جانت به کتف هریکی
 تو / آرد پاشیدی، گسیلاندی، دعا کردی که مثل آرد باشد راهشان اسپید.» (همان: ۸۶)

لایق در شعر «گریه کاوه به هفده پسرش»، حسرت عمیق گذشته خود را خورده و در
 غم خود، خانه و برج و بارو و زمین و آسمان را شریک دانسته است. این غم عمیق چنان
 او را فراگرفته است که تصور می‌کند سیاره‌ها هم در غم او شریک‌اند و گریه می‌کنند. این
 ابیات به‌خوبی حالت کسی را نشان می‌دهد که از آسمان و زمین، بر سر او، غم می‌بارد و
 چهره زندگی را گرفته و غمگین می‌بیند. لایق همچنین در شعر «نوحه تهمینه بر سهراب
 به داستان رستم و سهراب اشاره کرده و بلایی که، از کشته شدن سهراب، گریبانگیر
 مادرش تهمینه شده یادآور گردیده است. لایق، گرفتاری‌های تهمینه را از زبان او بیان کرده
 و حسرت تهمینه را با تصویرهای زیبا و بکر با مخاطبان در میان گذاشته است.

تهمینه‌ام، تهمینه‌ام از درد و غم دو نیمه‌ام
 در حسرت سهراب یل درج غمان شد سینه‌ام
 سهراب من، محراب من خورشید من، مهتاب من
 (همان: ۲۸۰)

لایق در شعر «شکایت از جدایی از ایران» که نوعی حسب حال است، در خود، حسرتی
 دارد که ناشی از توجه به گذشته است و مقایسه دیروز و امروز کشور تاجیکستان است که
 شاعر را اندوهگین کرده است و گله‌مند از سرنوشت خود و هم‌وطنانش می‌باشد. شاعر،
 در ابتدا، خطاب به مخاطبان خود می‌گوید: من آدمی خشن نیستم؛ زیرا زندگی کردن در
 کوهستان باعث شده است که دلی نرم و مهربان داشته باشم و اگر کسی درباره من، به‌جز
 این، بیندیشد، اشتباه کرده است. هرچند که برخی بر این باورند که زندگی در کوهستان
 سبب خشن شدن انسان می‌شود؛ ولی لایق برعکس استدلال کرده است.

در بیت بعدی، شاعر مدعی است که، همانند کوه، یکرنگ و چون آب چشمه، زلال
 است و حرف درست و حق را می‌زند و معتقد است که خداوند او را این‌گونه آفریده
 است. در ادامه، می‌گوید: «که از دست ظلم و ستم به میان کوه‌ها گریختم؛ زیرا تاریخ
 قسی‌القلب، به شدت، بر من جفا کرد.

۲-۲-۴-نوستالژی

یکی از جنبه‌های تأثیرپذیری لایق از مکتب رمانتیسیم، آرزوی بازگشت به دوران گذشته و بهره‌گیری از خاطرات آن ایام است. لایق شیرعلی نیز مانند هر شاعر رمانتیک دیگری در حسرت و اندوه گذشته‌های خود که فقط خاطراتی از آن‌ها باقی مانده است، به اندوه می‌نشیند و با یادآوری لحظه‌های آن، آرزوی بازگشت به آن را می‌کند. لایق در شعر خاک وطن، عشق و محبت خود را به زادگاهش نشان داده و می‌گوید:

«تاجیکستان، مظهر من، سرزمین کم زمین / تو سراسر کوهساری / تو سراسر سنگ‌زاری
چون‌که فرزندان تو در راه تاریخ دراز / هرکجا رفتند، مثنی خاک با خود برده‌اند / چون‌که
فرزندان تو در جستجوی بخت خود / در بیابان‌های تفسان دور از تو مرده‌اند.» (شیرعلی، ۱۳۸۳: ۵۲)

نوستالژی لایق برای وطن، سرشار از حساسیت‌های عاطفی و وطن‌پرستی است. لایق شیرعلی، در این ابیات، سعی کرده تا تصویری واقعی از سرزمین قدیمی تاجیکستان را نشان دهد و پیشینه تاریخی این سرزمین را با وقایعی که در آن رخ داده است، نشان بدهد؛ به همین سبب، به سرزمین تاجیکستان که نسبت به کشورهای دیگر، کم وسعت و کوهستانی است، اشاره می‌کند و برای نشان دادن سبب آن هم دلایلی می‌آورد. خطاب به خاک میهن می‌گوید، چون فرزندان تو، در کشاکش وقایع تاریخی، مجبور به مهاجرت شده‌اند، هرکدام در غربت مردند و خاک شدند و سنگ‌های باقی مانده است؛ در نتیجه، تو دارای زمین‌های پر از سنگ شده‌ای:

«هرکجا رفتند مهجور و غریب / از فراق جفت آن‌ها ناله و اندوه شد / جمله در کوی
غریبی خاک گشتند / آرزوهایشان در اینجا سنگ بست و کوه شد.» (همان: ۵۳)

لایق اصطلاح «ده کوچیده» را برای دهی که ساکنانش آن را رها کرده‌اند، به صورت، نوستالژی بیان کرده است. لایق، دهی را می‌بیند که قبلاً سرسبز بوده است و اکنون خالی از سکنه شده و باد بر در و دیوارهایش می‌وزد و سقف خانه‌هایش خراب شده و درهم

شکسته است و فقط یک خرابه‌ای از آن‌ها به‌جامانده است و مردم آن روستا برای زندگی کردن به‌جایی دیگر رفته‌اند:

«باد خورده سر هر دیواری / بام‌ها ریخته و چوکیده / طرح ده گر چه به‌جامانده، ولی /
زندگی جای دگر کوچیده، زندگی رخت بر آن وادی بست / که به پهناست و دریا جاری
است / بین مردم دگر اندر سر آب / جنگ و جنجال و کشاکش‌ها نیست.» (همان: ۵۴)
لایق، تصویری از روستایی ساخته که به علت خالی شدن از سکنه، در آن، سکوت برقرار
است و خبری از جنجال‌های گذشته که بر سر تقسیم آب برپا می‌شد، نیست:
«ده کوچیده، در آنجا شهری است / شهر آزادی و آزادان است / لیک این جای که ویرانه
شده / یادی از قسمت اجدادان است.» (شیرعلی، ۱۳۸۳: ۵۵)

به گفته لایق، اهالی ده کوچ کرده و به شهر رفته‌اند؛ اما آن دهی که اکنون ویرانه شده است،
از این جهت مورد توجه شاعر است که، در گذشته، اجداد او در آن ساکن بوده‌اند و شاعر
با حسرت از آنان یاد کرده است:

«یک دو سه لاله خَسک بشکفته / در پی صندلی و آتشدان / واپسین شعله آن آتشی‌هاست /
که برافروخته در کوهستان / راه‌ها کور شده بی رو و آ / چشم و چاری به ره یاری نیست /
چار دیوار به حسرت نالد / که سری در بن دیواری نیست.» (همان: ۵۴)

شاعر در شعر طلای بخارا، برای شهر بخارا و ارزش‌های این شهر تاریخی که از
تاجیکستان جدا شده است، حسرت می‌خورد و از به یادآوردن گنجینه‌های مادی و معنوی
که در این ناحیه وجود داشته است و دیگران آن‌ها را برده‌اند، سخت ناراحت است و به
قول خودش، درد از دست دادن آن، جگرش را پاره می‌کند. در این ابیات، با به یادآوردن
آن همه ارزش، حسرت می‌خورد؛ اما از اینکه صدرالدین عینی برای تاجیکستان باقی مانده
است، شکرگزار است و به وجودش افتخار می‌کند و می‌گوید:

«به یاد آرم چو طلای بخار را / دل طلایی‌ام صدپاره می‌گردد / سر طلایی‌ام گیج می‌شود از
غم / وجود خاکی‌ام با خون طلادار جوشانش / که خاک تیره یکسان می‌شود یک دم / اگر
چندی که خورده بس سر سرخی زر سرخش / که باقی از قطار بار / بسته از طلای سرخ،
ولی شادم / ز طلای پریشان در جهان چون تخم تاجیکان / از طلای نهان در خاک / و یا
در گورها مدفون / و یا با صاحبان از وطن رفته / وطن گم کرده و سرسان و یا با صاحبان
از زبان و اصل خود منگر / که طلا بوده، اصل مذهب و ایمان و ملتشان / برای تاجیکان یک

مخزن طلای سرمد ماند. برای تاجیکان یک گنج بی‌همتا ملت ماند/ که عینی بود و آثار کرامندش/ و ملت پروریدن‌ها و سوگندش/ که صدها سال تاجیک را/ در این دنیای حاجتمند، غنی می‌دارد و دارا و دولت‌مند!» (همان: ۸۳).

در شعر جبر تاریخ، لایق به‌نوعی نوستالژی به‌کاربرده است. در این سروده، شاعر نهایت نفرت خود را، از بعضی از جنایاتی که در طول تاریخ توسط هموعانش رخ داده است، بیان کرده است.

جبر تاریخ یگان قوم ندیده است که ما زهر تاریخ نژادی نچشیده است که ما
ملتی زیر فلک با همه فرهنگ سترگ این قدر ذلت و خواری نکشیده است که
ما

(همان: ۴۰۱)

توجه به طبیعت بدوی و مظاهر زندگی روستایی و گرایش بدان، از اصول کلی رمانتیک‌ها و از آن جمله لایق شیرعلی است؛ به طوری که اگر چنین مضامین و حال و هواهایی از دیوان اشعار وی گرفته شود، دیگر نمی‌توان حقیقت وجودی شاعر را لابه‌لای اشعارش مشاهده کرد.

استحاله در طبیعت روستا به‌قدری در اشعار وی عمیق و گسترده است که تصور وجود یکی بدون دیگری، غیرممکن است. لایق در شعر زیر علاوه بر توصیف و بیان روستا و زندگی روستایی، به مقام بلند موسفیدان قوم و عزت و بزرگی آن‌ها اشاره کرده است:

بهار آید چو وقت کشت آید زمین همچون دل عاشق بجوشد
جوان و پیر بهر حاصل نوان سحر تا شام در صحرا بکوشد
نخستین دان را پاشند پیران که دارد دستشان خیر و شرافت
پس از این دیگران پاشند دانه گرفته فاتحه زآن‌ها به حرمت

(شیرعلی، ۱۳۸۳: ۱۹۶)

لایق شیرعلی به‌مقتضای محل زندگی و زادگاه خود در خلق شعر فوق، توفیق یافته است. سخن شاعر در این سروده، فقط اشاره به روستایی بودن خود ندارد؛ بلکه می‌خواهد از

مردم زحمت‌کش روستا و از مردان و زنان فداکار و از کشاورزان و دامداران فعال و زحمت‌کش روستایی به صورت واقع‌گرایانه سخن بگویند و در تصاویر شعری خود در منظومه «موی سپیدان» از تلاش جان‌فرومای روستاییان در کاشت، داشت و برداشت محصول، یاد می‌کنند.

به گوشم می‌رسد هرگاه و بیگاه	صدای	آشنای	آشناها
به گوشم می‌رسد شب‌ها زکھسار	فغان	رودها	در تنگناها
سحر یک طلعتی آید به چشمم	بیرسد	در چه حالی	شاعر من
مثال اختر پرآن و سوزان	فروزان	بگذرد	از خاطر من

(شیرعلی، ۱۳۸۳: ۱۳۲)

در سروده فوق، شاعر صحنه‌ای از زندگی گذشته روستایی خود را به تصویر کشیده و حسرت آن را خورده است. با توجه به این نکته که زادگاه لایق، روستا و کوهستان بوده است، کاربرد واژه کوهسار، کوه و کوهستان در اشعارش از بسامد بسیار بالایی برخوردار است.

۲- ۲- ۶- طبیعت‌گرایی

از لایق شیرعلی به‌عنوان شاعر طبیعت یاد شده است. بسامد بالای عناصر طبیعی (۱۶۶ مورد) در اشعار او از جمله مواردی است که نمی‌توان به راحتی از آن چشم‌پوشی کرد. آب، دریا، زمین، آسمان، کوه، دشت، چشمه و ابر و خورشید در اشعارش بسیار به کار رفته است. لایق به‌عنوان یک شاعر رمانتیک در سروده‌های خود به زیبایی به مضامین ناب و چگونگی بهره‌گیری آن در سخن خود پی برده و توانسته است پیوند نزدیکی بین احساس و عاطفه درونی خود با طبیعت برقرار سازد و منظور نظر خود را به خواننده القا کند؛ مثلاً در سروده زیر شاعر آرزوی زندگی در کوهستان را در سر دارد:

شدم پزمان آب چشمه‌ساران روم در گوهساران خانه‌سازم
شوم یک‌لحظه بی‌قید و سبک‌روح به خود یک عالم افسانه‌سازم
بسازم چنبر از گل‌های صد رنگ شناسانم دلم را با بهاران

(شیرعلی، ۱۳۸۳: ۴۱)

طبیعت و زندگی در روستا، سبب شده تا شاعر، معانی متعددی را به هنگام تماشا در ذهن خود مجسم سازد و تصاویر زیبایی را بیافریند. در ابیات فوق، شاعر با استفاده از

مظاهر طبیعت همچون آب، چشمه‌سار، کوهسار، گل‌های صد رنگ، بهار، آبشار، دریا، موج و دریا، عشق و علاقه خود را به زادگاهش و همچنین زندگی در روستا به تصویر کشیده است.

لایق شیرعلی مانند دیگر رمانتیک‌ها تمایل دارد که از عناصر طبیعی در اشعارش استفاده کند به نحوی که آن عناصر را در پیوند با احساسات درون خویش در قالب شعر و سروده نشان بدهد. در اشعار لایق این ویژگی به صورت کاملاً بارز نمایان است. در بسیاری از سروده‌های لایق، درک همدلانه و درون‌گرایانه از طبیعت و عناصر و اجزای آن مشهود است. همان‌گونه که در اشعار زیر با به‌کارگیری مضامین و عناصر طبیعت اطراف خود، حالات و روحیه درونی خود را نشان داده است:

لاله رقاصه مشعل‌داری پای پیچک شفق صبحانه
سبزه‌ها کاکل نابافته‌ای می‌زند باد به نرمی شانه
کوه مانند مناره است بلند همه دم ساکت و پراسراری است
(شیرعلی، ۱۳۸۳: ۴۳)

لایق در شعر فوق، بهار کوهستان را به تصویر کشیده است. گل لاله در تصویر و خیال شاعرانه شاعر همچون رقاصه‌ای است که مشعل در دست گرفته و گل عشقه همچون شفق صبحگاهی، سرخ‌رنگ به نظر می‌رسد؛ آبشار هنگامی که از کوه سرازیر می‌شود و در دشت و بیابان جاری گردیده است. در بیت دوم شاعر سبزه‌ها را به زلف و کاکل تشبیه کرده که با باد همچون مشاطه‌ای در حال شانه کردن آن‌هاست. کوه در خیال شاعر همچون مناره‌ای ساکت است؛ ولی پر از اسرار مگو است. در توصیفات لایق از طبیعت، همچون دیگر شاعران رمانتیک، فصل پاییز نسبت به سایر فصل‌ها، حضور پررنگ‌تری دارد:

با هم بسازید ای دوستداران خزان می‌ریزد از شاخساران
هردم غنیمت آرامش دل آسایش جان، آسایش دل
برگی که ریزد آهسته گوید عشق است یاران آرایش دل

(همان: ۳۸۱)

با عنایت به ابیات فوق، لایق، فصل پاییز را فصل کاهلی و خستگی حتی برای خورشید و رودخانه دانسته است. برگ‌های درختان در فصل پاییز در چشمش همانند پرندگان، بال و پرشکسته‌ای است که قدرت و یارای ایستادن و یا پرواز کردن ندارند. شاعر برای رفع غم و کدورت و ناراحتی، توصیه می‌کند با هم مهربان باشید و در کنار هم به شادی پردازید و توجهی به غم‌های دنیایی نداشته باشید و از زبان برگ جدا شده از درخت، توصیه می‌کند و می‌گوید: عشق، آرایش و زیور و زینت دل ما انسان‌هاست، پس عاشق باشید و عشق بورزید. لایق شیرعلی به‌عنوان یک شاعر رمانتیک در اشعار خود به زیبایی به مضامین ناب و چگونگی بهره‌گیری آن در سخن خود پی برده است و توانسته است پیوند نزدیکی بین احساس و عاطفه درونی خود با طبیعت برقرار ساخته و منظور نظر خود را به خواننده القا

کوه از پس کوه است و یا سنگ پی سنگ گنجی است به صد نام و به صد جلوه و صد رنگ (شیرعلی، ۱۳۸۳: ۵۱)	کهسار بود کشور تاجیک سراسر در هر قبضش گنج عیان است و نهان است
--	---

کند، مثلاً آنجا که گفته است:

لایق به توصیف جغرافیای طبیعی تاجیکستان پرداخته و به کوهستانی بودن آن اشاره کرده است. همچنین ذخایر و معادن موجود در کوه‌های تاجیکستان مد نظرش بوده است. لایق همانند دیگر رمانتیک‌ها تمایل دارد که از عناصر طبیعت در شعرش بهره‌گیری به نحوی که آن عناصر را در پیوند با احساسات درون خویش در قالب شعر پیاده کند. در شعر لایق این ویژگی به‌صورت کاملاً بارزی جلوه‌گر است.

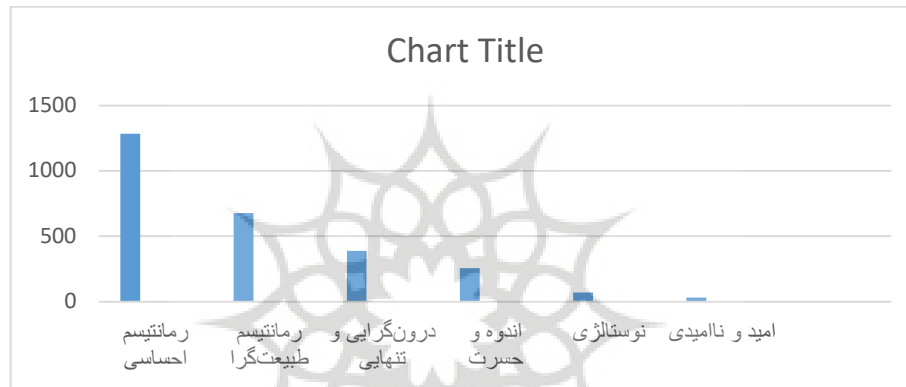
رودها چون کودکان بی‌پناه بی‌مربی هرکجا سرسان بدند
چون یتیمان چون غریبان، کو به کو در تلاش بخت، سرگردان بدند
(همان: ۵۱)

در ابیات فوق، شاعر، رودها را به کودکان معصوم و بی‌پناهی در نظر گرفته که بدون راهنما و معلم شروع به حرکت و راه رفتن کرده‌اند و همانند انسان‌های غریب و بی‌پناه به دنبال بدبختی و بیچارگی خود هستند.

جدول شاخصه‌های رمانتیسیم در سروده‌های لایق شیر علی

ردیف	رمانتیسیم احساسی	رمانتیسیم طبیعت‌گرا	درون‌گرایی و تنهایی	اندوه و حسرت	نوستالژی	امید و ناامیدی	جمع
۱	۱۲۸۳	۶۷۷	۳۸۹	۲۵۶	۷۰	۳۲	۲۷۰۷
۲	٪۴۷/۳۹	٪۲۵	٪۱۴/۳۷	٪۹/۴۵	٪۲/۵۸	٪۱/۱۸	۱۰۰٪

نمودار شاخصه‌های رمانتیسیم در سروده‌های لایق شیر علی



با عنایت به جدول فوق مشخص می‌گردد که رمانتیسیم احساسی با ۴۷/۳۹٪ بیشترین کاربرد و امید و ناامیدی هم با ۱/۱۸٪ کمترین کاربرد دارد.

۳- نتیجه‌گیری

مکتب رمانتیسیم در ایران و دیگر کشورهای فارسی‌زبان از جمله تاجیکستان مورد توجه قرار گرفته است و تعدادی از شاعران معاصر، از جمله لایق شیرعلی، شیوه کار خود را بر طبق اصول و قواعد مکتب رمانتیسیم قرار داده و بر طبق آن شعر سروده است. با وجود دل‌بستگی این شاعر به موازین و سنت‌های گذشته شعر فارسی، نمی‌توان آن‌ها را کلاً شاعر رمانتیسیم نامید؛ اما تأمل در دیوان او، این نکته را مورد تأیید قرار می‌دهد که لایق با

ارزیابی و شناخت شیوه‌های ادبی روزگار خود هر آنچه را که شایسته یافته، برگزیده است. لایق شیرعلی به‌عنوان شاعر ملی تاجیکستان با سرایش اشعار میهنی هم‌چون خاک و وطن و آل سامان، در ایجاد روحیه میهن‌دوستی و اتحاد ملی در میان مردم تاجیکستان نقش مهمی ایفا نمود. این نقش به‌ویژه در دوران جنگ‌های داخلی تاجیکستان، موسوم به جنگ‌های شهروندی، نمود بیشتری داشت. مضامین رمانتیسم احساسی با (۲۸۳ مورد) بارزترین جلوه‌های شعرش را تشکیل می‌دهد. همچنین درون‌مایه‌هایی همچون رمانتیسم طبیعت‌گرا (۶۷۷ مورد) در رتبه دوم قرار دارد. درون‌گرایی و تنهایی (۳۸۹ مورد)، اندوه و حسرت (۲۵۶ مورد)، نوستالژی (۷۰ مورد) و امید و ناامیدی (۳۲ مورد) از جمله شاخصه‌های رمانتیسم، به ترتیب میزان کاربرد آن در شعر لایق شیرعلی است.

منابع و مأخذ

کتاب

- ۱) برلین، آیزایا (۱۳۸۷)، *ریشه‌های رمانتیسم*، ترجمه عبدالله کوثری، ج ۲، تهران: ماهی.
- ۲) جعفری جزی، مسعود (۱۳۸۶)، *سیر رومانتیسم در ایران از مشروطه تا نیما*، تهران نشر مرکز.
- ۳) زرقانی، سید مهدی، (۱۳۸۴)، *چشم انداز شعر معاصر ایران*، تهران: ثالث.
- ۴) ستارزاده، عبدالنبی (۱۳۸۳)، *مقدمه دیوان اشعار لایق*، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- ۵) سید حسینی، رضا، (۱۳۸۹)، *مکتب‌های ادبی*، ج ۳. ج ۱، تهران: انتشارات نگاه.
- ۶) شیرعلی، لایق، (۱۳۸۳)، *کلیات اشعار لایق شیرعلی*، تصحیح مسعود قاسمی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ فارسی تاجیکی.
- ۷) فورست، لیلیان، (۱۳۸۰)، *رمانتیسم*، ترجمه مسعود جعفری، ج ۳، تهران: مرکز.

- ۸) میر صادقی، میمنت، (۱۳۸۵)، *واژه‌نامه هنری شاعری*، چ ۳، تهران: مهناز.
- ۹) هارلند، ریچارد (۱۳۸۸)، *درآمدی تاریخی بر نظریه ادبیات از افلاطون تا بارت*، ترجمه علی معصومی و شاپور جورکش، چ ۳، تهران: چشمه.

مقالات و پایان‌نامه

- ۱) اصغری قاجاری، ندیم و همکاران، (۱۳۹۸)، «بررسی و تحلیل مفهوم عشق در مجموعه دستور زبان عشق از قیصر امین پور». *جستار نامه ادبیات تطبیقی*، ش ۷، صص ۱۴-۲۸.
- ۲) بیک، مریم و همکاران، (۱۳۹۸). «اندیشه‌های رمانتیکی ژاله قائم‌مقامی با تکیه بر مباحث اسطوره‌ای». *جستار نامه ادبیات تطبیقی*، ش ۹، صص ۶۵-۸۲.
- ۳) پاینده، حسین، (۱۳۹۰)، «ریشه‌های تاریخی و اجتماعی رمانتیسیم»، *ارغنون*، ش ۲، صص ۱۴۰-۱۰۸.
- ۴) جمشیدی، کوروش، (۱۴۰۲)، «تحلیل بازتاب اندیشه‌های میهن‌دوستانه در اشعار لایق شیرعلی»، *مجله تفسیر و تحلیل متون زبان و ادبیات فارسی (دهخدا)*، ش ۵۵، صص ۲۷۳-۲۹۵.
- ۵) حیدری، فرشته، (۱۳۸۸)، *صور خیال در شعر لایق شیرعلی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، استاد راهنما دکتر محمدعلی زهرا زاده، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- ۶) خاکپور، محمد، (۱۳۸۹)، «رمانتیسیم و مضامین آن در شعر معاصر فارسی». *فصلنامه علمی پژوهشی کاوش‌نامه*، ش ۲۱، صص ۲۲۵-۲۴۷.
- ۷) خدایار، ابراهیم، (۱۳۹۷)، «دوره بندی شعر معاصر تاجیک: از روشنگری تا استقلال»، *نقد و نظریه ادبی*، س ۳، ش ۱، صص ۲۱-۴۵.

(۸) _____، (۱۳۹۸)، «تحول مفهوم وطن در ادب معاصر تاجیک»، متن

پژوهی ادبی، س ۲۳، ش ۸۲، صص ۳۵-۶۰.

(۹) صالحی، فاطمه، (۱۳۹۱)، «بررسی سبک‌شناختی غزل‌های لایق شیرعلی»، پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، دکتر نعمت‌الله ایران زاده، دانشگاه علامه طباطبایی.

(۱۰) مدرس زاده، عبدالرضا، (۱۳۹۱)، «نگاهی به سبک‌شناسی شعر تاجیکستان»،

پژوهش‌های نقد ادبی و سبک‌شناسی، ش ۱، صص ۱۸۱-۲۰۱.

(۱۱) نفیسی، فروغ، (۱۳۹۹)، نوستالژی در شعر چهار شاعر معاصر تاجیکستان

(صدرالدین عینی، بازار صابر، لایق شیرعلی، گل‌رخسار صفی آوا)، پایان‌نامه

کارشناسی ارشد، استاد راهنما دکتر حسین اسماعیلی، دانشگاه آزاد گچساران.

(۱۲) یزدانی، حسین، محمدی بدر، نرگس و علی‌اکبر زاده، مرجان، (۱۳۹۸)، «تحول

مضمون «عشق به وطن» در شعر معاصر تاجیکستان»، بهار ادب، ش ۱، صص ۳۴۹-۳۶۶.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی